

درخواست عجیب مرد جوان برای جدایی در دادگاه خانواده:

همسرم به دنبال فرزندمان نرفت

مهدی یکه سادات
گروه تپش

مرد جوان وقتی متوجه شد همسرش به دنبال فرزندشان به مهدکودک نرفته، تصمیم گرفت برای همیشه به زندگی مشترک خود پایان دهد. این زوج که به خاطر لجبازی با یکدیگر کودکشان را در مهد نگه داشتند، در نهایت کارشان به دادگاه خانواده تهران کشیده شد. ماجرای که برای چندمین بار است تکرار می‌شود و نرفتن دنبال بچه دلیل دعوا و درخواست جدایی زوجین است. مرد جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: آقای قاضی همسرم به خاطر لجبازی با من

کودکمان را در مهدکودک نگه داشت. لیا همیشه به دنبال دخترمان به مهد می‌رفت؛ چون شغلم آزاد است و تا شب سر کار هستم. آن روز لیا با من تماس گرفت و گفت با دوستش قرار دارد و من باید دنبال دخترمان به مهد بروم. به او گفتم کار دارم و نمی‌رسم. ولی لیا گفت حتما باید سر قرار با دوستش بروم. او حاضر نشد به خاطر فرزندمان قرارش را کمی جابه‌جا کند. در صورتی که من کار داشتم و او هم می‌دانست که چقدر سرم شلوغ است، فقط می‌خواست با من لجبازی کند. برای همین گوشی‌اش را خاموش کرد و سر قرار با دوستش رفت. من هم درگیر کار شدم. اصلا تصور

را هم نمی‌کردم او به خاطر لجبازی با من، این کار را انجام دهد و دخترمان ساعت‌ها در مهد بماند. حواسم به موبایلم نبود؛ بعد از چند ساعت دیدم چندین بار از مهدکودک با من تماس گرفته‌اند. وقتی با آنها تماس گرفتم باورم نمی‌شد که همسرم به دنبال دخترمان نرفته و دختر کوچک ما چندین ساعت در مهدکودک مانده بود. بلافاصله به دنبالش رفتم. وقتی با لیا حرف زدم، او به جای عذرخواهی، طلبکار هم بود. کلی به من توهین کرد که چرا به دنبال دخترمان نرفتم. در صورتی که کار من واجب بود، ولی کار لیا واجب نبود و او می‌توانست به جای تفریح با دوستش به دنبال دخترمان برود. به همین دلیل وقتی رفتار او را دیدم تصمیم

گرفتم، برای همیشه از این زن خودخواه جدا شوم. این زن به خاطر لجبازی با من، دخترمان را اذیت کرد. نمی‌توانم این رفتار او را تحمل کنم. در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی شوهر من خیلی خودخواه است. تصور می‌کند تمام کارهای بچه با من است و وظیفه دارم هر روز به دنبال او بروم. در صورتی که من هم می‌خواهم یک روزهایی برای خودم زندگی کنم. او از صبح می‌رود و شب دیروقت برمی‌گردد. متوجه نیست که چقدر سختی می‌کشم تا بتوانم از دخترمان مراقبت کنم. او را به مهد ببرم و از مهد بیاورم. با او سر و کله بزنم. فقط یک‌بار از او خواستم به دنبال دخترمان برود. چرا خودش نرفت؟ اتفاقاً من از او شاکی و ناراحتم که چرا آن قدر بی‌خیال بود و دخترمان برایش اهمیتی نداشت. من به او گفتم که نمی‌توانم به دنبال دخترمان بروم، ولی باز هم اهمیتی به حرفم نداد. تصور می‌کرد اگر بی‌خیال باشد طبق معمول، من همه کارها را انجام می‌دهم. برای همین دیگر نمی‌توانم این مرد را تحمل کنم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست با یک مشاوره خانواده مشورت کنند.



تقسیم وظایف، به توافقی نسبی

واژه نیست و کسی نمی‌تواند به تنهایی از پس مشکلاتش بر بیاید. زندگی مشترک فقط به صورت اشتراکی قابل پیشرفت است. تفکر سنتی که کار خانه را وظیفه زن می‌داند و کار بیرون از خانه را وظیفه مرد به مرور به تلخی رابطه می‌گراید. زن و شوهر باید بدانند که هر تحولی در زندگی مسئولیت‌هایی با خودش به همراه دارد. بنابراین توصیه می‌شود زن و مرد، بیش از ازدواج درباره تقسیم وظایف در زندگی مشترک به توافقی نسبی برسند. تقسیم وظایف زوج در زندگی علاوه بر این که مانع از فرسودگی ذهنی و روانی آنها می‌شود، میزان صمیمیت و همدلی بین آنها را افزایش می‌دهد. البته این موارد در جلسات مشاوره زوج درمانی نیز به خوبی نمایان می‌شود که زن و شوهر می‌توانند از آن کمک بگیرند.



سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: تقسیم وظایف در زندگی مشترک، ابتدا به نظر آسان می‌رسد. زن و شوهر باهم ظرف می‌شویند، تختخواب را مرتب می‌کنند و به نظافت منزل می‌پردازند، اما ممکن است زمانی به تعارض تبدیل شوند که فرزندی به دنیا می‌آید. بچه‌ها نیازهای زیادی را به وجود می‌آورند؛ هم نیاز به درآمد بیشتر و هم مسئولیت‌های خانگی افزون‌تر. در این زمان مسئولیت‌ها عوض نمی‌شود، بلکه مسئولیت‌های جدیدی اضافه می‌شود. اگر یکی از زوج‌ها، در زندگی مسئولیت‌پذیر نباشد و وظایف مربوط به خودش را انجام ندهد، همسرش را به سمت فرسودگی روانی و ذهنی یا خستگی بیش از حد پیش می‌برد. زندگی مشترک فقط یک